

تأثیر سبک زندگی عقیفانه در تمدن اسلامی

از منظر نهج البلاغه

چکیده:

یکی از بحث‌های مهم و اساسی در زندگی اسلامی برای هر مرد و زن مسلمان رعایت عفت است، زیرا عفاف تنها مختص زنان نیست بلکه امری فراگیر است. امام علی (ع) نیز عفاف را از برترین خصلت‌ها و در رأس همه خوبی‌ها بیان فرموده‌اند. و سبک زندگی به تمامی اصول و مبانی گفته می‌شود که متن و بطن حیات اجتماع و انسان را شکل می‌دهد، که از ارزش‌های دینی جامعه نشأت می‌گیرد. این سبک زندگی به عنوان یک آسیب در نظام جامعه مطرح است. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی به دنبال آن است که تأثیرات سبک زندگی عقیفانه در تمدن اسلامی را از منظر نهج البلاغه بررسی کند. نتایج برآمده از آن را میتوان اینگونه بیان کرد که؛ یکی از ارکان و مؤلفه‌های زندگی عقیفانه که از مفاهیم سخنان امیر المومنین علی (ع) در نهج البلاغه نیز به آن اشاره شده است، سبک زندگی اسلامی و ترویج و تعمق سبک زندگی عقیفانه که یکی از مؤلفه‌های تمدن نوین اسلامی است.

واژگان کلیدی: عفاف، سبک زندگی، تمدن اسلامی، نهج البلاغه.

مقدمه:

دین مبین اسلام، به عنوان آیین جامع و کامل خداوند متعال، در حمایت از شخصیت انسانی و معنوی زن در جهت حفظ عفت عمومی، دستورهای حکیمانه

ای مبتنی بر لزوم رعایت عفت و حیا در ابعاد گوناگون صادر نموده است. «البته عفاف مخصوص زنان نیست و مردان نیز باید عقیف باشند ولیکن چون مردان به دلیل داشتن قدرت جسمانی و برتری جسمانی این توانایی را دارند که به زن ظلم کنند و برخلاف میل او رفتار نمایند، از این رو اسلام بر روی عفت زن تاکید بیشتری نموده است» (بانکی پور، 1381، ص 223). عفاف در معنای کلی آن است که انسان در دنیا به مقدار نیازش قانع باشد و زیاده‌طلبی را کنار بگذارد و از چیزهای حرام چشم‌پوشد؛ چرا که بیشترین بدبختی انسان به خاطر حرص، ولع و افزون‌طلبی اوست، اما در معنای خاص آن رعایت حد وسط و اعتدال در برآوردن خواهش‌ها و امیال نفسانی است و حکما آن را حد وسط بین «خمودی» و «شره» ذکر کرده‌اند که هر دو اینها از رذایل اخلاقی است. در راستای پاکدامنی، عفت و حفظ نفس از گناه علاوه بر اینکه انسان باید از برخی مناظر تحریک‌کننده دوری کند، بلکه باید اعضای بدن که برای دیگران تحریک‌کننده است را نیز بپوشاند، از این پوشش به «حجاب» تعبیر می‌شود، که برای مرد و زن لازم شمرده شده است.

عفت و پاکدامنی واژه‌ای که پیش از ورود تمدن غرب به سرزمینمان در تمام شئون زندگی اجتماعی ما خاصه در میان زنان جای داشت؛ به‌طوری‌که اگر در جایی حرکت زشت و زننده‌ای دیده می‌شد، نوع افراد اجتماع به عنوان اینکه این حرکت با عفت عمومی سازگاری ندارد، به مخالفت بر می‌خواستند. با این وجود سوال مطرح شده در این بحث را میتوان اینگونه مطرح کرد که از منظر امیرالمومنین (ع)، چه عواملی می‌تواند در ایجاد عفت و پاکدامنی مؤثر باشد؟ نقش عفاف و حجاب در تمدن اسلامی چه بوده است؟ و نگاه امام علی (ع) در این مورد چگونه است؟

از مقالات انجام شده در این زمینه میتوان به مقاله؛ نگاهی به جلوه‌های حجاب و عفاف در نهج البلاغه، قرآن و احادیث (ر.ک: جهانیده، 1395) و مقاله حجاب و عفاف از منظر نهج البلاغه (ر.ک: زینوندلرستانی، 1396) اما در مقاله پیش رو سعی بر آن است که عوامل مؤثر در ایجاد عفاف را بیان کرده و نقش حجاب و عفاف را در تمدن از منظر حضرت علی (ع) بررسی کند.

واژه عفاف از ریشه (عَفَّ) به معنای خودداری از زشتی ها یا خودداری از آنچه شایسته نیست و همچنین به معنای حفظ نفس از تمایلات و شهوات بکار رفته است. (مصطفوی 1385، ج 8، ص 218-220؛ راغب اصفهانی، 1412، ج 2، ص 440؛ قرشی، 1371، ج 5، ص 18)؛ در لسان العرب ذیل واژه عَفَّت چنین آمده است: «الكَفَّ عَمَّا لَا يَحِلُّ وَلَا يَجْمَلُ؛ عَفَّ عَنْ الْمَحَارِمِ وَالْإِطْمَاعِ الدِّيَّةِ» (ابن منظور، ج 9، ص 259)؛ خودداری از آنچه که زیبا و شایسته نیست، خودداری از حرامها و طمع های پست. و یا آمده است که؛ «عَفَّ: كَفَّ عَمَّا لَا يَحِلُّ وَلَا يَجْمَلُ كَاسْتَعَفَّ وَتَعَفَّفَ» (فیروز آبادی، 1415، ج 3، ص 177)؛ خودداری از آنچه زیبا و شایسته نیست مانند استعَفَّ و تَعَفَّفَ.

آنچه از جستجو در سایر کتابهای لغت می توان فهمید این است که «عَفَّت» به معنای نگه داشتن نفس از ارتکاب معاصی و کارهای حرام میباشد.

از این رو عفاف اصطلاحی است اخلاقی که عالمان اخلاق آن را در شمار مهمترین فضایل اخلاقی برشمرده اند.. خواجه نصیرالدین طوسی در تعریف آن مینویسد: « عفاف آن است که نیروی شهوت مطیع عقل باشد تا تصرف او به اقتضای رای او بود و اثر خیریت در او ظاهر شود و از تعبد هوای نفس و استخدام لذات فارغ» (طوسی، 1389، ص 74)۔ برخی از عالمان اخلاق گفته اند:

«عَفَّتْ دَارِي مَفْهُومَ عَامٍ وَ خَاصٍّ اسْت؛ مفهوم عام آن خویشتن داری در برابر هر گونه تمایل افراطی و نفسانی است و مفهوم خاص آن خویشتن داری در برابر تمایلات بی بند و باری جنسی است.» (مکارم شیرازی، 1377، ج 2، ص 283)

حجاب و عفاف به عنوان دو ارزش و سرمایه اجتماعی در جامعه بشری و بویژه جوامع اسلامی مطرح است. همواره این دو واژه در کنار هم به کار برده می شوند و در نگاه اول به نظر می آید هر دو به یک معنا باشند اما با جستجو در

متون دینی و فرهنگنامه‌ها به نکته قابل توجهی می‌رسیم و آن تفاوت این دو واژه است این دو مفهوم اگرچه به هم مرتبط هستند ولی تفاوت‌هایی نیز دارند، عفاف اعم از حجاب است و حجاب اخص از عفاف، کسی که عفاف داشته باشد خود به خود حجاب نیز دارد، ولی اگر کسی حجاب داشته باشد لزوماً انسان عفیفی به شمار نمی‌رود. (افشار، 1393، ص 45). عفاف از یک سو به عنوان یک مسئله‌ی اصلی و بنیادین و فراتر از حجاب و پوشش مطرح است و از سوی دیگر، رابطه‌ی تنگاتنگی با آن دارد؛ چرا که به عنوان یک خصلت و ارزش اختیاری، پوشش را به ارمغان می‌آورد و به طور کلی، می‌توان حجاب را میوه و ثمره‌ی عفاف دانست.

2-1- سبک زندگی

مفهوم «سبک زندگی» از جمله مفاهیمی است که پژوهشگران حوزه جامعه‌شناسی و مطالعات فرهنگی آن را به کار می‌برند و دامنه به کارگیری آن در ادبیات علوم اجتماعی رواج زیادی یافته است (حاجیان، 1386، ص 7).

«سبک و شیوه بیشترین توانایی را برای بیان ویژگی‌هایی دارد که همه‌ی دنیای فعالیت‌ها را در خود خلاصه کرده است» مانند یک معادله که یک منحنی در آن خلاصه شده است. او سبک زندگی را فعالیت‌های نظام‌مندی می‌داند که از ذوق و سلیقه فرد ناشی می‌شوند و بیشتر جنبه عینی و خارجی دارند و در عین حال به صورت نمادین به فرد هویت می‌بخشند و میان افشار مختلف اجتماعی تمایز ایجاد می‌کنند. معنا یا به عبارتی ارزش‌هایی این فعالیت‌ها از موقعیت‌های آن در نظام تضادها و ارتباط‌ها اخذ می‌شود. وی در جای دیگر می‌گوید: «سبک زندگی دارای‌هایی است که به وسیله آن، اشغال‌کنندگان موقعیت‌های مختلف خودشان را با قصد تمایز یا بدون قصد آن از [دیگران] تمایز می‌بخشند» (بورديو، 1984، ص 285)

سبک زندگی می‌تواند به علایق، نظرات، رفتارها و جهت‌گیری رفتاری یک فرد، گروه یا فرهنگ اشاره کند و به عبارتی به معنای شیوه‌ی زندگی خاص یک فرد، گروه، یا جامعه است.

3-1- تمدن

تمدن در علوم اجتماعی از واژه های پر ابهام است. این واژه همواره در تحلیل های تاریخی- اجتماعی مورد استفاده قرار میگیرد، بدون آنکه در باب تبیین معنایی اش بحثی مجزا و کامل صورت گرفته باشد، مصادیق ذکر شده برای تمدن، پنهان و آشفته است که به قاعده در آوردن آن، همواره برای اندیشمندان دشوار بود آنها را تحلیل ها تعاریف خود از تمدن، ناگزیر به استثنا کرده است. در ادبیات فارسی تمدن به معنای همکاری افراد یک جامعه در امور اجتماعی، اقتصادی، دینی، سیاسی و ... میباشد و در جای دیگر، تمدن به مفهوم خو گرفتن با اخلاق و آداب شهریان نیز آمده است. (معین، 1386، ج 3، ص 1139)؛ تعاریفی که از "تمدن" در دوران معاصر شده است، دامنه وسیعی را دربرمیگیرد "هنری لوکاس" معتقد است که پاسخ به این سؤال که "تمدن چیست؟" دشوار است و راه به مسائل فلسفی میبرد. پدیدهای درهم تنیده تمدن، هم مسائل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را دربرمیگیرد و هم گسترش و کمال هنر، ادبیات، تفریحات، علم، اختراعات، فلسفه و دین را. (آذرنگ، 1393، ص 7-16)۔ یکی از بهترین تعاریف تفصیلی تمدن مربوط به ویل دورانت نویسنده "تاریخ تمدن" است؛ از نظر وی تمدن را میتوان به شکل کلی آن، عبارت از نظم اجتماعی دانست که در نتیجه وجود آن، خلاقیت فرهنگی امکانپذیر میشود و جریان پیدا میکند. (ویل دورانت، 1365، ج 1، ص 3)

2- عوامل مؤثر در ایجاد عفاف و فواید آن از منظر امام علی (ع)

قرآن یکی از ویژگی های مؤمنان راستین را، عفاف و پاک دامنی می داند و می فرماید: «وَالَّذِينَ هُمْ لِأُفْرُوجِهِمْ حَافِظُونَ؛ آنان [مؤمنان] کسانی هستند که دامان خویش را از بی عفتی حفظ می کنند» (مومنون/ 5)

عفت و پاکدامنی، یکی از صفات ارزشمند اخلاقی است که نه تنها داشتن این صفت، حُسن است، بلکه آثار و فواید بسیاری را به دنبال دارد که موجب پیشرفت زندگی انسان و دست یابی به کمال و سعادت می شود. امام علی علیه السلام فرمود: «الْعِفَّةُ رَأْسُ كُلِّ خَيْرٍ» (تمیمی آمدی، 1381، ص 255؛

محمدی ری شهری، 1384، ج 6، ص 395): عفت ریشه و اساس تمام خوبی هاست.

عوامل ایجاد عفت و پاکدامنی را با توجه به کلام امیرالمومنین (ع) را میتوان اینگونه بیان کرد:

1-2- خانواده و لزوم تربیت از کودکی: توجه به لزوم رعایت مبادی عفت و حفظ حجاب باید از کودکی و در نهاد خانواده شکل بگیرد. امام علی (ع) در نامه خود به امام حسن مجتبی می‌فرماید: «إِنَّمَا قَلْبُ الْخَدَثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أُلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَلِيلَةً» (نهج البلاغه، 1379، ص 393، نامه 31): همانا قلب نوجوان مانند زمین خالی از کشت و زرع است که هر آنچه در آن بریزی قبول می‌کند.

2-2- ازدواج: از مهمترین راهکارهایی که در این باب مفید فایده است و در اسلام و سنت رسول گرامی اسلام (ص) نیز موکداً به آن توصیه فراوان شده، مسئله ازدواج است. چیزی که در حال حاضر در جامعه ما با سهل انگاری روبرو شده و به خاطر همین بی‌توجهی‌ها به این امر مقدس است که عواقبی نظیر افزایش سن ازدواج، افزایش آمار طلاق و در نتیجه رواج فحشاء و فساد گریبان‌گیر جوانان شده است.

ازدواج و انتخاب همسر، سبب آرامش انسان میشود و به وسیله آن غریزه جنسی تعدیل و مهار میشود. رسول خدا (ص) فرمودند: ای گروه جوانان، هریک از شما که قدرت ازدواج دارد، برای آن اقدام کند؛ زیرا بهترین وسیله برای کنترل چشم از نگاههای آلوده است و از بی‌عفتی محافظت میکند. (طبرسی، 1385، ص 100)؛ و در جای دیگر از رسول خدا (ص) آمده است: «هرکس ازدواج کند، همانا که نصف دینش را حفظ کرده است، و باید با پرهیزگاری نصف دیگرش را کامل کند.» (طبرسی، 1414، ج 1، ص 429)؛ هر جوان به طور فطری خواستار ازدواج با کسی است که قبل از ازدواج پاکدامنی و عفت خود را حفظ کرده و آلوده به گناه نشده باشد، کسی که چنین درخواستی دارد باید خودش همچون ویژگیهایی را داشته باشد، از این رو ازدواج در حفظ و تعدیل غریزه جنسی کمک کرده و موجب حفظ عفاف و مانع فحشا میشود.

3-2-قناعت: قناعت یکی از فضایل مهم اخلاقی است که در تعالیم دینی بر روی آن بسیار تاکید شده است. از آن جمله است حکمت ها و تعالیمی که امیر مومنان علی علیه السلام در کتاب شریف نهج البلاغه به آن ها اشاره می فرمایند. ایشان به قناعت به عنوان والاترین عنصر اقتصادی بلکه ارزشی بسیار گرانقدر در حیات انسان می نگرند. همه ی ما خواستار زندگی پاک، عقیفانه و آسوده ای هستیم. زندگی بدون آلودگی و به دور از هر گونه دغدغه. این نوع زندگی که در لسان قرآن تعبیر به حیات طیبه شده است آرزوی هر انسانی است. و سُئِلَ - علیه السلام - عن قوله تعالى: « فَلْتُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً » (نحل/ 97) فقال: «هِيَ الْقَنَاعَةُ»: از امام سؤال شد، تفسیر آیه ی « فَلْتُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً » چیست؟ فرمود: قناعت است. نهج البلاغه، 1379، ص 483، حکمت (229)

امام علیه السلام قناعت را به لازمهایش که زندگی پاک و نیکوست تفسیر فرموده است. (ابن میثم، 1390، ج 5، ص 608) - ایشان معتقدند خشنودی به کفاف زندگی، انسان را به عفاف و پاکدامنی می کشاند.

4-2-عقل: مطمئناً انسان عاقل کاری که هم در دنیا و هم در آخرت برای او سودی جز پیشیمانی و رسوایی نداشته باشد، انجام نمی دهد. حضرت علی (ع) در تاثیر عقل می فرمایند: «من عقل عفا» (مجلسی، 1403، ج 1، ص 117؛ حرانی، 1384، ص 19)؛ - هر آن کس که عقل دارد، عفاف می ورزد. زیرا منشأ هر دو صفت، حرکت به سوی تعادل و پرهیز از افراط و تفریط است.

5-2-غیرت: واژه غیرت به معنای محافظت از عصمت، آبرو، ناموس و حفظ عزت و شرف به کار میرود. غیرت در اصطلاح حس درونی است که آفرینش برای محافظت و حراست از حریم خانواده و پاسداری از نسل در فطرت فرد نهاده است. این حس در مرد برای محافظت از ناموس خود در برابر کامجویی دیگران و نگهداری همسر در انحصار خود قرار داده شده است. (سادات، 1392، ص 164)

مرد، پاسدار حرمت و کرامت زن است و حراست از نوامیس از جمله ویژگیهایی است که خداوند در نهاد مرد قرار داده است، در این حال هرچه مرد

بر کمالات انسانی خود بیفزاید بر غیرت و معرفت او نیز افزوده میشود. (اسحاقی، 1386، ص 46)؛ مرد در عمق روح خود از ابتذال و بیارادگی و تسلیم بودن زن متنفر است و همیشه بینازی و بیاعتنایی او را ستوده است. (مطهری، 1381، ص 202)؛ اگرچه به واژه غیرت در قرآن به صورت صریح و مستقیم اشاره نشده است؛ اما از نظر عده‌ای از مفسران، آیات 60 و 62 سوره احزاب که بیانگر سه گروه، اراذلا و باش مزاحم زنان مسلمان، منافقان شایع پراکن و شایعه پراکنان علیه زنان مؤمن را به مجازات، تبعید و قتل تهدیدی کرده است، مفهوم غیرت را میرساند. (مکارم شیرازی، 1386، ص 433-434)

6-2-حیا: خداوند حیا را در انسان قرار داد تا از زشتی‌هایی که نفس رابه سوی خود میکشاند دوری کند. حضرت علی (ع) در این باره می‌فرمایند: «الحیا قرین العفاف» (تمیمی آمدی، 1381، ج 1، ص 152). حیا و شرم همنشین عفت است.

از فواید عفت و پاکدامنی میتوان به حفظ نسبت ها و پاکی نسل ها ، مصونیت و امنیت: حریم نگه داشتن زن میان خود و مرد یکی از وسایلی مرموزی است که زن برای حفظ مقام و موقعیت خود در برابر مردان از آن استفاده می‌کند. سخن حضرت علی(ع)موکد این سخن است: «ثمره العفه الصیانه» (همان، ج 3، ص 326) ثمره عفت و پاکدامنی، ایمن و محفوظ ماندن است. حیا، حریمی است که زن در روابط‌هاش با مرد برای خود در نظر میگیرد. مونتسکیو در کتاب خود مینویسد: « تمام مردم جهان این عقیده را دارند که زنان باید حیا داشته باشند» (مونتسکیو، 1362، ص 440)؛ قوانین طبیعت، اینگونه حکم کرده که زنان محجوب باشند و به شهوت خود غلبه کنند از این رو حجب و حیا و خودداری، مطابق قوانینی است که خداوند در وجود آنها قرار داد و امری فطری است. (حرزاده، 1383، ص 80)

از دیگر فواید و آثار عفاف می‌توان به آرامش روانی، پایداری خانواده و در نتیجه استواری اجتماع اشاره کرد.

3- نقش سبک زندگی عقیفانه بر تمدن اسلامی

در نگاه برخی، سبک زندگی ایرانی - اسلامی آغاز و مقدمه‌ای برای تمدن سازی نوین اسلامی و در نهایت تحقق پیشرفت و توسعه ایرانی - اسلامی است. پیروی از سبک زندگی اسلامی و درونی سازی آن در بطن جامعه، آغازی برای اجرای اصول دینی و تحقق آرمان‌ها و اهداف اسلامی در جامعه می‌باشد. لازمه این امر تبعیت از احکام و فرهنگ دینی و پرهیز از الگوهای غربی سبک زندگی است. رواج ارزش‌های غربی و فرهنگ بیگانه در جامعه، مانعی در مسیر رشد و توسعه بوده و موجب غفلت از هنجارهای اجتماعی و فرهنگ دینی و در نهایت عقب ماندگی اقتصادی و اجتماعی می‌گردد.

سبک زندگی مجموعه‌ای از رفتارهای فردی یا اجتماعی است که متأثر از باورها و ارزش‌های پذیرفته شده، امیال فردی، محیط اجتماعی و شرایط اقلیمی، وجهه غالب رفتار فرد، گروه یا جامعه شده باشد سبک زندگی هر فرد یا جامعه در حقیقت معرف هویت اختصاصی جامعه است و عمل به آن سبک زندگی نشان دهنده عزت نفس و جامعه و نشان دهنده خود برترش است، سبک زندگی هر فرد یا جامعه در حقیقت معرف هویت اختصاصی جامعه است و عمل به آن سبک زندگی نشان دهنده عزت نفس و جامعه و نشان دهنده خود برترش است. امام علی (ع) در این باره می‌فرماید: «فانه قلّ من تشبّه بقوم. الا اوشک ان یکون منهم.» (نهج البلاغه حکمت 207). اگر تشبّه ظاهری به قومی پیدا کردیم، آرام آرام به آنها تبدیل خواهیم شد. دامنه‌ی عفاف از گسترده‌ی خاصی برخوردار است. گاه در امور اجتماعی مطرح می‌شود و گاه در فعل و انفعالات فردی. که در سبک زندگی افراد تأثیر گذار است. زیرا بر اساس سخنان امیرالمؤمنین عفاف در راس همه‌ی خوبی‌هاست. رعایت عفاف در جامعه‌ی اسلامی از یک طرف، نشان دهنده‌ی میزان اعتقادات درونی افراد جامعه است و از طرف دیگر، نشان دهنده‌ی اهمیت ارزش حجاب و عفاف در جامعه است. در یک تقسیم بندی عفاف به عفت در کردار، عفت در نگاه، عفت

در پوشش، عفت در اظهار زینت، عفت در معاشرت، عفت در گفتار و عفت در اندیشه، تقسیم می شود. به طور کلی، عفت را می توان یک صفت انسانی و ملکه ی نفسانی و زینت باطنی دانست که موجب می شود تمام اعمال و حرکات و گفتار و پوشش انسان، عقیقانه و فاقد رذیلت های شهوانی و هوس مآبانه باشد (کوهی، 1387، ص 293). یکی از جنبه های ملموس سبک زندگی عقیقانه نحوه تعامل اعضای جامعه اسلامی با یکدیگر و رعایت حریم ها بین زن و مرد نامحرم در خانواده و جامعه است.

یکی از مهم ترین دلایل نیاز به تمدن سازی نوین اسلامی، تهاجم فرهنگی غرب و تحمیل سبک زندگی غربی در جوامع اسلامی است. با توجه به اینکه ارزش ها و فرهنگ غربی با هنجارها و اعتقادات جامعه ما در تضاد می باشد، بسط سبک زندگی غربی مانعی بزرگ در مسیر تحقق پیشرفت و توسعه تلقی می گردد، از این رو گسترش سلوک حیات دینی از ضروریات جامعه می باشد؛ یعنی اینکه ارائه تفسیری توحیدی از زندگی بر مبنای خدامحوری متفاوت از سبک زندگی انسان مدارانه ی غربی است.

برای تثبیت جامعه اسلامی با تمامی خصوصیات و شاخص های مربوط به خود می باید شیوه و سلوک زندگی اسلامی نیز در بطن جامعه درونی گردد. بدین معنا که اصول و احکام دینی زمانی می تواند به طور کامل در جامعه اجرا شود که سبک زندگی اسلامی در بین اعضای جامعه گسترش یابد. اگر الگوها و شیوه های زندگی بیگانه و غربی در جامعه وجود داشته باشد، مانعی بزرگ در مسیر تشکیل جامعه اسلامی و اجرای اصول دینی است، زیرا ارزش ها و هنجارهای غیر اسلامی و غربی با فرهنگ و باورهای رایج در جامعه منافات دارد. از سوی دیگر تحقق اصول و آرمان های دینی در جامعه زمینه ای برای گسترش سبک و نوع زندگی در جامعه می باشد و این دو مکمل همدیگر محسوب می شوند. (مهاجرانی، 1375، ص 1-7)

سبک و سلوک زندگی، متن تمدن سازی نوین اسلامی را تشکیل می دهد. برای نیل به اهداف و آرمان های جامعه و موفقیت در زمینه اقتصادی و سیاسی می باید سبک زندگی بومی و دینی را در بین مردم گسترش داد، چنین حیاتی متفاوت از شیوه زندگی غربی است و با ارزش های اصیل و هنجارهای بومی

سازگاری دارد. آن چیزی که متن زندگی انسان را تشکیل می‌دهد؛ همان سبک زندگی است و بایستی در جهت گسترش آن برنامه ریزی‌های لازم را نمود. سبک زندگی عفیفانه و اصیل موجب ارتقای فرهنگ عمومی جامعه و قرارگیری آن در مسیر هنجارها و اصول اجتماعی می‌شود، در این راستا وجدان کاری و انضباط اجتماعی در بین اعضای جامعه افزایش می‌یابد و آنان با پایبندی به معیارها و قواعد سبک زندگی خود می‌توانند انضباط فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی را ارتقا دهند، چرا که اصول و هنجارهای بیگانه با بطن و کالبد جامعه تضاد داشته و موجب غفلت از فرهنگ اصیل و ارزش‌های بومی در جامعه می‌گردد، متقابلاً پایبندی به سبک زندگی بومی باعث تحقق اهداف جامعه می‌شود. می‌توان عفاف و دانش را به‌منزله دو بال تحقق تمدن یاد کرده و شرط تمدن‌سازی را خلاقیت در گرو آزادی به شمار آورده است. (مهاجرانی، 1375، ص 4-5)

بنابر آنچه بیان شد؛ عفاف و حجاب از عوامل تأثیر گذار بر رشد و توسعه تمدن اسلامی به شمار می‌روند؛ اما باید به این امر هم اشاره شود که برای داشتن سبک زندگی عفیفانه باید فرهنگ عفاف را گسترش داد، در توسعه فرهنگ عفاف زن و مرد هر دو سهیم هستند و حفظ فرهنگ عفاف، امری مختص زنان نیست. حضرت علی (ع) می‌فرمایند: «به وسیله خودداری‌های خود (مراعات خود) چشم‌های آنان را بپوشان، همانا این تقوای رفتاری در پایداری عفت آنان بهتر است». (نهج البلاغه، 1379، نامه 31)

امیر مؤمنان ع، توسعه فرهنگ عفاف را نه تنها مسئولیتی دو جانبه (از سوی مردان و زنان) می‌دانند، بلکه مسئولیت مردان را در ایجاد محیط مناسب روانی و ایجاد آمادگی بهتر برای مراعات زنان مهم‌تر می‌داند و این امر را مقدمه تقوای رفتاری زنان و تداوم آن می‌شمرد؛ لذا به تقوی و متانت رفتاری مردان در مقابل زنان امر می‌نماید، یکی از فلسفه‌های حجاب در فرهنگ اسلام مزین شدن زن به زینت تقوا و عفاف است. همچنین عفاف به معنای

پرهیزگاری، خویشتن داری و نگهداشتن نفس از از فزون خواهی و حرام است که در قرآن چهاربار به گار رفته است. در نهج البلاغه امام علی (ع) بحث حجاب و عفاف در خطبه های امام بیشتر در موضوعات تقوا استنباط می شود و در سایر موارد تحت موضوعات پاکدامنی و مبارزه با هوای نفس قابل دریافت است. (ر.ک: جهانیده، 1395) اما سخنانی از ایشان در نهج البلاغه در مورد مسئله حجاب و عفاف و پاکدامنی قابل بررسی است.

دامنه عفاف از گستردگی خاصی برخوردار است. گاه در امور اجتماعی مطرح می شود و گاه در فعل و انفعالات فردی. عفاف با دیگر فضایل، رابطه اثر و موثر دارد؛ زیرا در راس همه خوبی هاست. رعایت عفاف در جامعه اسلامی از یک طرف، نشان دهنده میزان اعتقادات درونی افراد جامعه است و از طرف دیگر، نشان دهنده اهمیت ارزش حجاب و عفاف در جامعه است. امام علی (ع) می فرماید: «افضل العباده شیء واحد و هو العفاف» (کراجکی، 1394، ج 14، ص 277)

بنا بر مقدماتی که ذکر شد حجاب و عفاف را میتوان از عواملی دانست که نقش مؤثری را در زندگی فردی جمعی و در معنای کلان آن در تمدن اسلامی ایفا میکند به همین دلیل پیامبر (ص) و ائمه (ع) همواره به رعایت عفاف انسانها به ویژه عفاف زنان اشاره فرمودند، و آن را از راه های سلامت فرد و جامعه دانستند. و یا به عبارتی؛ شناخته شدن انسان به ایمان و عفاف، سالم ماندن از طمع دیگران را به دنبال دارد. با رعایت حجاب و عفاف از طرف مردان و زنان (به ویژه بانوان در زمینه حفظ حجاب) جامعه از بسیاری از خطرات حفظ خواهد شد و مهمتر از همه اینکه با حفظ حجاب کیان خانواده که اصلی ترین نهاد اجتماع است در معرض خطر قرار نمی گیرد. نقش عفاف آنقدر مهم و ارزشمند است که امام (ع) در این باره میفرمایند: «وَمَا الْمُجَاهِدُ الشَّهِيدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَعْظَمَ أَجْرًا مِمَّنْ قَدَرَ قَعْفٌ لَكَادَ الْعَفِيفُ أَنْ يَكُونَ مَلَكًا مِنَ الْمَلَائِكَةِ» (سید رضی، حکمت 474، ص 530): پاداش مجاهد شهید در راه خدا بزرگتر از

پاداش عقیف پاکدامنی نیست که قدرت بر گناه دارد و آلوده نمی گردد همانا عقیف پاکدامن فرشته ای از فرشته هاست.

امیرالمومنین می فرماید: « الْعَفَافُ يَصُونُ النَّفْسَ وَيُتَرِّهُهَا عَنِ الدُّنْيَا » (محمّدی ری شهری، 1384، ص 256، ح 5420): عفت، نفس را مصون می دارد و آن را از پستیها دور نگه می دارد. چنانچه کسی خود را از هوا هوس مصون دارد و عفت را در زندگی خود بکار گیرد پس این پاکدامنی در جامعه نیز عملی خواهد شد و در بهبودی و پیشرفت تمدن نیز تأثیرات ویژه ای خواهد گذاشت.

نتیجه:

با رعایت حجاب و عفاف جامعه از بسیاری از خطرات حفظ خواهد شد، و افراد نیز در سایه عفاف به سلامت خود و خانواده و به خصوص تمدن اسلامی کمک خواهند کرد. برای رسیدن به این منظور باید فرهنگ حجاب در جامعه گسترش پیدا کند، همانطور که در سخن بزرگان و ائمه آمده است عفت را یکی از فضایل اخلاقی بر شمرده اند و نقش آن را در زندگی فرد، جامعه و تمدن مؤثر ذکر کرده اند امام علی (ع) نیز آن را ارزشمندترین عبادت می داند و عفت و پاک دامنی را شیوه زیرکان، شرافتمندان و تقوای پیشه گان برمی شمرد و از آنجاییکه خود حضرت تربیت یافته قرآن و قرآن شناس واقعی است و تربیت شده پیامبر اکرم (ص) است بهترین الگو برای زندگی استو همچنین نهج البلاغه چون گزیده ای از آموزه های علوی است، می تواند به عنوان بهترین الگوی زندگی انسانی محبوب شود. امروزه بشریت در این لجنزار مخوف بی عفتی، سخت حیران و سرگردان است و علی رغم دستیابی به تکنیک و تمدن، پدیده شوم ابتذال و ببند و باری گسترش یافته و در این رهگذر، سردمداران استکبار جهانی به اهداف سیاسی و اقتصادی خود غالب آمده اند، در یک جمله میتوان

گفت: همه بدبختیهای موجود در دنیای امروز تحقیر کردن اصول عفاف و تقوای در امور جنسی است. از عفاف و حجاب می توان به عنوان زینت فرد یاد کرد که نشانه پیشرفت بشریت و توسعه تمدن اسلامی است.

منابع:

- 1- **قرآن کریم**، 1385، ترجمه مهدی الهی قمشه ای، قم، دارالقرآن
- 2- **نهج البلاغه** (1379). گردآوری شریف رضی، ترجمه محمد دشتی، قم، مشهور.
- 3- آذرنگ، عبدالحسین، (1393). **تاریخ تمدن**، تهران، طرح نو.
- 4- ابن منظور محمد بن مکرم، (1414ق). **لسان العرب**، بیروت، انتشارات دارصادر.
- 5- ابن میثم، میثم بن علی، (1390ش). **شرح نهج البلاغه**، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش های اسلامی.
- 6- اسحاقی، حسین. (1386ش). **مروارید عفاف، کاوشی در غیرت، حیا و حجاب**، تهران: مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما.
- 7- افشار، ابذر، (1393). **رسانه ملی و نهادهای سازی فرهنگ عفاف و حجاب**، مرکز پژوهش های اسلامی.
- 8- بانکی پور، امیر حسین، (1381). **آئینه زن** (مجموعه موضوعی مقام معظم رهبری)، قم، کتاب طه.
- 9- تمیمی آمدی، عبدالواحد، (1366). **تصنیف غررالحکم و دررالکلام**، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.

- 10- جهانیده، محمود، (1395). **نگاهی به جلوه های حجاب و عفاف در نهج البلاغه، قرآن و احادیث**، کنفرانس جهانی روانشناسی و علوم تربیتی، حقوق و علوم اجتماعی در آغاز هزاره سوم.
- 11- حاجیانی، ابراهیم، (1386). **الگوهای سبک زندگی ایرانیان**، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام
- 12- حرانی، حسن بن علی بن حسین بن شعبه، (1384). **تحفة العقول علی آل رسول**، قم- ایران، نشر اسلامی.
- 13- حرزاده، محمد مهدی. (1383ش). **حیا زیبایی بی پایان**، قم: شفق.
- 14- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (1412). **المفردات فی الفاظ قرآن**، تحقیق صفوان عدنان داودی، بیروت، دارالقلم.
- 15- زینوند، ربابه، (1396). **حجاب و عفاف از منظر نهج البلاغه**، همایش نگرش علمی و کاربردی به عفاف و حجاب.
- 16- سادات، محمد علی. (1392ش). **راهنمای همسران جوان**، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی
- 17- طبرسی، الحسن بن فضل. (1414ق). **مکارم الاخلاق**، قم: موسسه نشر اسلامی.
- 18- طبرسی، فضل بن حسن. (1385ش). **مشکاة الانوار فی غرر الاخبار**، ترجمه عطاردی، قم: حیدریه.
- 19- طوسی، محمد خواجه نصیرالدین، (1389). **اخلاق ناصری**، فردوس.
- 20- قرشی، علی اکبر، (1371). **قاموس القرآن**، چاپ ششم، تهران، دارالکتب اسلامی.
- 21- کراجکی، ابوالفتح محمدبن علی عثمان، (1394). **جامع احادیث الشیعه**، قم: مهر استوار.
- 22- کوهی، محمدرضا، (1387). **آسیب شناسی شخصیت زن**، قم، مشهور.

23- مجلسی، محمد باقر، (1404). **بحار الانوار**، بیروت، انتشارات موسسه
الوفاء

24- محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۸۴). **میزان الحکمه**، دارالحديث.

25- مصطفوی، حسن، (۱۳۶۸). **التحقيق في كلمات القرآن الكريم**،
تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

26- مطهری، مرتضی. (1376ش). **مجموعه آثار شهید مطهری**، تهران:
صدرا

27- مکارم شیرازی، ناصر، (1374). **تفسیر نمونه**، تهران، دارالکتب اسلامی.

28- معین، محمد، (1386). **فرهنگ فارسی**، انتشارات زرین.

29- مهاجرانی، عطاءالله، (1375). **تمدن نوین اسلامی**، راهبرد، شماره
12، صص 1-7.

30- مکارم شیرازی، ناصر، (1374). **تفسیر نمونه**، چاپ اول، تهران،
دارالکتب الاسلامیه.

31- مکارم شیرازی، ناصر. (1386ش). **احکام بانوان**، مطابق با فتاوی
حضرت آیت الله مکارم شیرازی، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب.

32- منتسکیو، شارلی لوئی درسکوندن. (1362ش). **روح القوانين**، تهران:
امیر کبیر.

33- ویل دورانت، (1392). **تاریخ تمدن**، ترجمه احمد آرام، تهران، سازمان
انتشارات انقلاب اسلامی.

- Bourdieu, Pierre. (1984) *Distinction: A social Critique of the
Judgement of Taste*. Routledge-

